

پیش‌بینی پرخاشگری ارتباطی پنهان بر اساس ویژگی‌های شخصیت و ناگویی هیجانی زنان متأهل شهر تهران

تاریخ ارسال مقاله: 1401/08/01 تاریخ پذیرش نهایی: 1401/11/09

پریسا جمشاد^{1*}، رحیم داوری²

مقاله پژوهشی

چکیده

مقدمه: پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی پرخاشگری ارتباطی پنهان بر اساس ویژگی‌های شخصیت و ناگویی هیجانی زنان متأهل شهر تهران انجام گرفت.

روش: روش پژوهش توصیفی - همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه زنان متأهل مراجعه کننده به فرهنگسراها و سراهای محله مناطق 1 و 3 شهر تهران در بازه زمانی 1400_1401 بودند که از بین آنها تعداد 264 نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند و به مقیاس پرخاشگری ارتباطی پنهان کارول و نلسون (2006)، سنجش صفات پنج‌گانه شخصیتی فرم کوتاه نئو کاستا و مک کری (1985) و ناگویی هیجانی تورنتو باگی و تیلور و پارکر (1994) پاسخ دادند. داده‌های پژوهش با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه با استفاده از نرم‌افزار spss نسخه 26 مورد تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: نتایج همبستگی پیرسون نشان داد که ارتباط مثبت و معناداری بین روان‌رنجوری و ناگویی هیجانی با پرخاشگری ارتباطی پنهان وجود دارد. از طرفی بین برون‌گرایی، گشودگی، توافق‌پذیری و باوجدان بودن با پرخاشگری ارتباطی پنهان، رابطه منفی و معناداری وجود دارد. علاوه بر این، نتایج تحلیل رگرسیون همزمان نشان داد که روان‌رنجوری، توافق‌پذیری و ناگویی هیجانی قادر به پیش‌بینی پرخاشگری ارتباطی پنهان زنان بود.

نتیجه‌گیری: طبق یافته‌های پژوهش با کاهش روان‌رنجوری و ناگویی هیجانی و افزایش توافق‌پذیری زنان، پرخاشگری ارتباطی پنهان آنها کاهش می‌یابد و می‌توان نتیجه گرفت که ویژگی‌های شخصیت و ناگویی هیجانی در افزایش پرخاشگری ارتباطی پنهان نقش دارند.

کلمات کلیدی: پرخاشگری ارتباطی پنهان، ویژگی‌های شخصیت، ناگویی هیجانی، زنان متأهل

* این مقاله بر گرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول است.

¹ - کارشناس ارشد روان‌شناسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

² - استادیار گروه روان‌شناسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

* نویسنده مسئول: Parisa.Jamshad@yahoo.com



Predicting Covert Relational Aggression based on Personality Traits and Alexithymia of Married Women in Tehran

Received: 2022/10/23 Accepted: 2023/01/29
Parisa Jamshad^{1*}, Rahim Davari²

Original Article

Abstract

Introduction: The present study was conducted with the aim of predicting covert-related aggression based on the personality traits and Alexithymia of married women in Tehran.

Method: The research method was a descriptive correlation. The statistical population included all married women who referred to cultural centers and neighborhood centers in districts 1 and 3 of Tehran in the period of 2021-2022, from which 264 people were selected as a statistical sample using a multi-stage cluster sampling method, and they were evaluated on the scale of aggression. The correspondence of Nelson and Carroll (2006), measuring the five personality traits of the short form of Neo Costa and McCrae (1985) and Toronto Bagby et al. (1994) were answered. Research data were analyzed using Pearson's correlation coefficient and multiple regression analysis using SPSS software version 26.

Findings: The Pearson correlation results showed that there is a positive and significant relationship between neuroticism and Alexithymia with relational aggression. On the other hand, there is a negative and significant relationship between extroversion, openness, agreeableness, conscientiousness with covert-related aggression. In addition, the results of simultaneous regression analysis showed that neuroticism, agreeableness, and alexithymia were able to predict women's covert-related aggression.

Conclusion: According to the findings of the research, by reducing neuroticism and Alexithymia and increasing women's agreeableness, their covert-related aggression decreases and it can be concluded that personality traits and Alexithymia play a role in increasing hidden covert-related aggression.

Keywords: Covert Relational Aggression, Personality Traits, Alexithymia

*The article is derived from first author's thesis.

1 - M. A in Psychology, Roudehen Branch, Islamic Azad University, Roudehen, Iran.

2 - Assistant Professor, Department of Psychology, Roudehen Branch, Islamic Azad University, Roudehen, Iran.

* Corresponding Author: Parisa.Jamshad@yahoo.com

مقدمه

درگیری‌های زوجین حتی زمانی که از طریق اعمال خشونت آمیز بیان می‌شود، علاقه خاصی را در روان‌شناسی ایجاد کرده است. مقابله ناکافی با تعارض زناشویی معمولاً به دعوا، پرخاشگری، فاصله گرفتن و دل‌شکستگی منجر می‌شود (دیز-لاوینگ و سانچز-آراگون¹، 2012). عواقب ماندن در یک رابطه خشونت آمیز بسیار زیاد است و مواردی مانند استرس پس از سانحه، اضطراب یا افسردگی تأثیر مستقیمی بر سلامت روان دارند (آرمور، اچبورا، دی کورال، زابیزاررتا و ساراسون²، 2012). در دهه‌های گذشته، پرخاشگری به عنوان متغیری که فقط فیزیکی یا کلامی است، توجه فزاینده‌ای را به خود جلب کرده است. در ابتدا تصور می‌شد که فقط مردان پرخاشگر هستند و به همین دلیل، زنان اغلب از مطالعات قبلی در مورد پرخاشگری حذف می‌شدند. با این حال، تحقیقات جدیدتر تأیید کرده‌اند که مردان نوجوان تمایل بیشتری به پرخاشگری فیزیکی آشکار دارند، درحالی‌که دختران نوجوان موارد بیشتری از پرخاشگری هیجانی غیرمستقیم را نشان می‌دهند. اکثر تحقیقات نشان داده‌اند که پرخاشگری ارتباطی پنهان الگوی رفتاری ثابتی برای زنان است (گومز³، 2007). پرخاشگری در روابط صمیمانه می‌تواند به اشکال مختلفی ظاهر شود. پرخاشگری ارتباطی پنهان، به آسیب رساندن به همسر از طریق دستکاری روابط اجتماعی آنها به وسیله شایعه پراکنی، کناره‌گیری از عشق و محبت و تحریک حسادت اشاره دارد (مورون و ماندال⁴، 2021). تحقیقات کریک⁵ (2002) نشان داد که بین پرخاشگری ارتباطی پنهان با جنسیت و سازگاری روانی - اجتماعی ارتباط معناداری وجود دارد، که بیشتر از پسرها، مشخصه و ویژگی دختران است. این تحقیق مشخص کرد که پرخاشگری رابطه‌ای نوعی از پرخاشگری است که شامل تلاش برای آسیب رساندن به دیگران از طریق دستکاری و آسیب رساندن به روابط است (گومز، 2007). پرخاشگری رابطه‌ای باعث آسیب رساندن یا تهدید به موقعیت اجتماعی، شهرت یا روابط از طریق ابزارهای دستکاری اجتماعی مانند تهدید به ترک دوستی، نادیده گرفتن روابط و محرومیت گروهی می‌شود (ورنر و کریک⁶، 1999). پرخاشگری رابطه‌ای را بر اساس عملکرد آن می‌توان به پرخاشگری رابطه‌ای فعال که برنامه ریزی شده و معطوف به هدف است (مثلاً انتشار شایعات برای محبوب تر کردن خود) و پرخاشگری واکنشی که تکانشی است و از روی عصبانیت انجام می‌شود، معمولاً در تلافی یک توهم ادراک شده انجام می‌گردد، تقسیم کرد (نایت، داهلن و بلکول⁷، 2018). بیشتر تحقیقات در مورد پرخاشگری ارتباطی با کودکان و نوجوانان انجام شده است؛ با این حال، شواهد فزاینده‌ای وجود دارد که نشان می‌دهد پرخاشگری ارتباطی در بزرگسالی برجسته می‌ماند و همبستگی‌های نامطلوبی شامل اضطراب، افسردگی، تنهایی، استرس، فرسودگی تحصیلی، سوء مصرف الکل، کنترل تکانه ضعیف، عصبانیت ناکارآمد، اختلال خوردن و طرد از گروه همسالان را به وجود می‌آورد (نایت و همکاران، 2018). مرتکب یا قربانی پرخاشگری رابطه‌ای عاشقانه با علائم افسردگی، مشکلات مربوط به الکل و سلامت جسمانی (مورون و ماندال، 2021) مواجه می‌شود، به گونه‌ای که شیوع بالا و ماهیت پنهان پرخاشگری رابطه‌ای عاشقانه این شکل از پرخاشگری را به ویژه خطرناک می‌کند (کارول، نلسون، یورگاسون، هارپر، آشتون و جنسن⁸، 2010). پژوهش‌های مختلفی به بررسی ارتباط پرخاشگری ارتباطی با عوامل مختلف پرداخته‌اند که از آن جمله می‌توان به ارتباط پرخاشگری ارتباطی با ترس از صمیمیت و شفقت خود (حمیدی کیان، نیکنام و جهانگیر، 1400)، عدالت

- 1 . Diaz-Loving & Sanchez-Aragon
- 2 . Amor, Echeburúa, de Corral, Zubizarreta, & Sarasua
- 3 . Gomes
- 4 . Morón, Mandal
- 5 . Crick
- 6 . Werner & Crick
- 7 . Knight, Dahlen, Bullock-Yowel
- 8 . Carroll, Nelson, Yorgason, Harper, Ashton & Jensen

زناشویی و کیفیت زناشویی (غفاری و رضانی، 1398)، سبک‌های دلبستگی و احساس شرم و گناه (خزاعی و همکاران، 1396)، تقویت حساسیت و اهداف اجتنابی (مورن و ماندال، 2021)، ناگویی هیجانی (مورال دلارویا و راموس باسورتو¹، 2015) اشاره کرد. یکی از عواملی که می‌تواند تأثیرگذار باشد و پرخاشگری ارتباطی آنها را پیش‌بینی کند، ویژگی‌های شخصیتی است. شخصیت به مجموعه‌ای از ویژگی‌های زیربنایی اشاره دارد که تعیین می‌کند یک فرد معمولاً چگونه باید باشد، چگونه فکر و احساس کند (مک گیون، پوتوین، رویا، سمپسون، بافی، مارخان و وینس²، 2014). شخصیت یک منبع مهم فردی است که با پیامدهای مهم زندگی مانند بهزیستی ذهنی و سلامت روان مرتبط است (کاراتاس³، 2015). ویژگی‌های شخصیتی سازه‌های پایدار هستند که به‌طور مشخص بر افکار، احساسات و پاسخ‌های افراد به موقعیت‌های بین فردی تأثیر می‌گذارد (تاگارت، بانن و هامت⁴، 2018). ویژگی‌های شخصیتی همسران (مانند موافق بودن، وظیفه‌شناسی، برون‌گرایی، روان‌رنجوری و گشودگی) با جنبه‌های مختلف روابط صمیمانه از جمله رضایت، طول مدت و ثبات مرتبط است (ویدمان، لیدرمان و گراب⁵، 2016). برون‌گرایی به درجه‌ای اشاره دارد که افراد می‌خواهند اجتماعی بودن، احساسات مثبت و فعالیت زیاد را تجربه کنند. توافق‌پذیری با تمایل به تربیت و پرورش، نوع دوستی، اعتماد و سازگاری دوستانه همراه است. وظیفه‌شناسی با اراده برای دستیابی، خودکنترلی، پشتکار و قابل اعتماد بودن ارتباط دارد. روان‌رنجوری به درجه‌ای اشاره دارد که افراد احساسات منفی را تجربه می‌کنند. گشودگی به تجربه با پذیرش ایده‌های جدید، ترجیح احساسات گوناگون و روشنفکری همراه است (کاراتاس، 2015). براین اساس، ماهیت اجتماعی پرخاشگری رابطه‌ای نشان می‌دهد که انواع ویژگی‌های شخصیتی عادی و بیمارگون ممکن است در درک اینکه چرا برخی افراد بیشتر درگیر این رفتارها هستند مفید باشد. انجام موفقیت آمیز پرخاشگری ارتباطی احتمالاً مستلزم سطحی از موقعیت فردی در گروه همسالان و مهارت‌های بین فردی است. درعین حال، ایجاد آسیب عمده و اغلب دستکاری شده از طریق پرخاشگری رابطه‌ای نشان می‌دهد که این رفتارها به احتمال زیاد زمانی رخ می‌دهد که همدلی وجود نداشته باشد (اوجانن، فایندلی و فولر⁶، 2012). فقدان همدلی، تمایل به دستکاری و آزار دیگران و یا اعتقاد به اینکه فرد حق دارد کسانی را که مطابق انتظاراتش عمل نمی‌کنند را مجازات کند، ممکن است پرخاشگری ارتباطی را تسهیل کند و این امر می‌تواند در برخی از ویژگی‌های بیمارگونه دیده شود (نایت و همکاران، 2018). مدل پنج عاملی (کاستا و مک کری⁷، 1992) در درک اینکه چگونه جنبه‌های هنجاری شخصیت با شخصیت مرتبط است، مفید بوده است (نایت، داهلن، بلک لاول⁸، 2018). مطالعات نشان می‌دهند روان‌رنجوری بالا و توافق پایین به‌طور مداوم با پرخاشگری ارتباطی و پرخاشگری آشکار مرتبط است (نایت، 2018). همچنین یافته‌ها نشان می‌دهند که شخصیت همسران به‌طور قابل توجهی نه تنها بر رضایت خود از رابطه، بلکه بر روی شرکای آنها نیز تأثیر می‌گذارد (دیرنفورث، کاشی، دونلان و لوکاس⁹، 2010). ویژگی‌های شخصیتی بطور قابل اعتمادی پیامدهای رابطه صمیمانه را بصورت مقطعی و طولی پیش‌بینی می‌کنند. باتوجه به موارد مطرح شده، در پژوهش‌های مختلفی به بررسی ویژگی‌های شخصیتی با سایر متغیرها پرداخته شده است، که از آن جمله می‌توان به سرمایه روان‌شناختی و سرزندگی تحصیلی (فرزین و برزگر، 1397)، ناگویی هیجانی، سازگاری ادراک شده و دلبستگی (تیلور، باگی، کوشنر، بنوویت و اتکینسون¹⁰، 2014) اشاره کرد. یکی دیگر از عواملی که بنظر می‌رسد

- 1 . Moral de la Rubia & Ramos Basurto
- 2 . McGeown, Putwain, Simpson, Boffey, Markham & Vince
- 3 . Karatas
- 4 . Taggart, Bannon & Hammett
- 5 . Weidmann, Ledermann, Grob
- 6 . Ojanen, Findley, Fuller
- 7 . Costa & McCrae
- 8 . Knight, Dahlen & Bullock-Yowell
- 9 . Dyrenforth, Kashy, Donnellan & Lucas
10. Taylor, Bagby, Kushner, Benoit & Atkinson

در رابطه زناشویی و پرخاشگری ارتباطی بین زوجین مؤثر باشد، ناگویی هیجانی است. ناگویی هیجانی یک ویژگی نسبتاً پایدار است که با دشواری در شناسایی و توصیف احساسات و سبک تفکر بیرون‌مدار مشخص می‌شود (لیورز، ادوارز و ثوربرگ¹، 2017). سطوح بالای ناگویی هیجانی بطور مداوم با خلق منفی مانند افسردگی و اضطراب، سوء مصرف مواد و مشکلات بین فردی مرتبط است (لیورز و همکاران، 2017). نقص در پردازش قشری احساسات که ناگویی هیجانی را به همراه دارد، مانع همفکری و مشورت زوجین برای حل مساله، تداوم تعارضات، تضعیف رضایت و کاهش انسجام زوجین می‌شود (تیلور²، 2000). فرد مبتلا به ناگویی هیجانی به دلیل مشکل در درک موقعیت‌ها و دادن پاسخ مؤثر در موقعیت‌های تعارض و تقاضای محبت، دچار خشم و ناامیدی می‌شود که مطمئناً از طرف شریک زندگی خود خشم و خصومت دریافت خواهد کرد. مورال³ (2008) مشاهده کرد که ناگویی هیجانی یک عامل خطر برای سوء رفتار زناشویی، به ویژه در مردان همراه با افسردگی است. او استدلال کرد که رابطه بین ناگویی هیجانی، افسردگی و ناسازگاری ممکن است میانجی خشونت اعمال شده توسط زوج در مواجهه با درگیری‌های حل نشده باشد. این خشونت موجب درماندگی و افزایش جدایی می‌شود که سازگاری زوجین را بدتر می‌کند. در نهایت، ناگویی هیجانی می‌تواند به عنوان یک نتیجه ظاهر شود یا با خشونت شدید و طولانی مدت توسط شریک زندگی تشدید شود (دلارویا و راموس باسورتو، 2015). شواهد اخیر نشان می‌دهد افرادی که دارای سطوح بالای ناگویی هیجانی هستند ممکن است در معرض تجربه مشکلاتی در روابط بین فردی به دلیل ارتباط ناگویی هیجانی با نقایص اساسی در توانایی تشخیص و برچسب زدن صحیح حالات چهره و همچنین کمبودهای همدلی عاطفی در روابط بین فردی و نظریه ذهن عاطفی باشند (لیورز و همکاران، 2017). ردی⁴ (2009) سطوح بالایی از مشکلات در شناسایی و توصیف احساسات را در زنان دچار خشونت خانگی، به ویژه کسانی که از خشونت جسمی رنج می‌بردند، پیدا کرد. از جمله پژوهش‌هایی که به بررسی ناگویی هیجانی با عوامل مختلف پرداخته‌اند می‌توان به ارتباط ناگویی هیجانی با احساس تنهایی، ترس از صمیمیت و نگرش به خیانت (سید موسوی و محرمی، 1398)، هیجان خواهی، عاطفه مثبت و منفی (مومنی، کرمی و حویزی زادگان، 1396)، ترس از صمیمیت و رضایت از رابطه (لیورز و همکاران، 2021)، حمایت اجتماعی (ولز، رحمان و ساترلند⁵، 2016)، خشونت زوجین (مورال دلارویا و راموس باسورتو، 2015)، کیفیت زناشویی و رفتارهای حفظ رابطه (هس، پائولی و فری-کاکس⁶، 2015) اشاره کرد.

براین اساس و باتوجه به اهمیت تعارض و پرخاشگری در روابط زناشویی و همچنین عدم وجود پژوهش‌های کافی در حوزه ارتباط پرخاشگری ارتباطی با ویژگی‌های شخصیتی و ناگویی هیجانی، مطالعه این عوامل از ضرورت ویژه‌ای برخوردار است. باوجود مداخلات زیادی که در حوزه زناشویی طراحی شده‌اند، وجود خلاء پژوهشی در حوزه پرخاشگری ارتباطی پنهان زوجین اساس شکل‌گیری پژوهش فوق می‌باشد و براین اساس پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال می‌باشد که آیا پرخاشگری ارتباطی پنهان براساس ویژگی‌های شخصیتی و ناگویی هیجانی قابل پیش‌بینی است.

روش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی - همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه زنان متأهل 20 تا 45 ساله مراجعه کننده به فرهنگسراها و سراهای محله منطقه یک و سه شهر تهران در سال 1401 بودند. به منظور برآورد حجم نمونه و برطبق فرمول تاباچینگ و فیدل از بین این جامعه، تعداد 284 نفر از زنان متأهل که به فرهنگسراها و سراهای محله منطقه یک و سه شهر

- 1 . Lyvers, Edwards & Thorberg
- 2 . Taylor
- 3 . Moral
- 4 . Reedy
- 5 . Wells, Rehman & Sutherland
- 6 . Hesse, Pauley & Frye-Cox

تهران در سال 1401 مراجعه کردند، به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند که با توجه به مخدوش بودن 20 پرسش‌نامه، حجم نهایی نمونه پژوهش به 264 نفر تقلیل یافت. همچنین در این پژوهش جهت جمع‌آوری داده‌ها از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شد. نتایج تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه 26 به‌دست آمده است.

ابزارهای پژوهش

الف) مقیاس پرخاشگری ارتباطی پنهان¹: این مقیاس توسط کارول و نلسون (2006) ساخته شده است که دارای 12 سؤال می‌باشد. به منظور اندازه‌گیری کناره‌گیری عاطفی (6 سؤال، سؤالات 1 تا 6) و خراب کردن وجهه اجتماعی (6 سؤال، سؤالات 7 تا 12) به کار می‌رود. این مقیاس در طیف لیکرت 7 درجه‌ای از (1=خیلی کم تا 7=خیلی زیاد) نمره‌گذاری می‌شود. دامنه نمرات این مقیاس بین 12 تا 84 می‌باشد. کارول و همکاران (2010) ضریب آلفای کرونباخ نمرات کناره‌گیری عاطفی برای شوهران را 0/90 و برای همسران 0/86 گزارش کردند. گیلفورد (2013) ضریب آلفای کرونباخ را برای خراب کردن وجهه اجتماعی و کناره‌گیری عاطفی به ترتیب 0/88 و 0/90 در مردان و 0/86 و 0/90 در زنان گزارش کرد. روایی سازه نسخه اصلی پرسش‌نامه در پژوهش منگ² (2013) نشان داده شده است (خزاعی و همکاران، 1396). مقیاس فوق در سال 1395 توسط خزاعی و همکاران هنجاریابی شده است. همچنین خزاعی و همکاران دو عامل (کناره‌گیری عاطفی و خراب کردن وجهه اجتماعی) را در نمونه ایرانی تأیید کردند. نتایج تحلیل عامل تأییدی نشان داد ضریب آلفای کرونباخ مقیاس فوق 0/85، اعتبار همگرا 0/47 و اعتبار واگرا 0/42- می‌باشد و از اعتبار و روایی خوبی جهت سنجش میزان پرخاشگری ارتباطی پنهان زوجها برخوردار است (خزاعی و همکاران، 1396). در پژوهش حاضر مقدار آلفای کرونباخ برای مولفه کناره‌گیری عاطفی برابر 0/73 و برای مولفه خراب کردن وجهه اجتماعی برابر 0/78 به‌دست آمد. همچنین میزان آلفای کرونباخ برای کل پرسش‌نامه پرخاشگری ارتباطی پنهان برابر 0/82 می‌باشد.

ب) پرسش‌نامه سنجش صفات پنج‌گانه شخصیتی فرم کوتاه نئو³ (NEO-FFI): این پرسش‌نامه کوتاه شده نسخه 240 سؤالی است که توسط کاستا و مک کری در سال (1985) ارائه شده است. فرم کوتاه این پرسش‌نامه 60 سؤالی می‌باشد و برای ارزیابی 5 عامل اصلی شخصیت به کار می‌رود. پاسخنانه براساس طیف لیکرت (کاملاً مخالفم=0؛ مخالفم=1؛ نظری ندارم=2؛ موافقم=3 و کاملاً موافقم=4) نمره‌گذاری می‌شود. در برخی از سؤالات نمره‌گذاری بصورت معکوس می‌باشد. یکی از نمونه‌گویه‌های این پرسش‌نامه عبارت بود از: «من اصلاً شخص نگرانی نیست». پرسش‌نامه شخصیتی NEO-FFI توسط مک کری و کاستا روی 208 نفر از دانشجویان آمریکایی به فاصله سه ماه اجرا گردید که ضرایب اعتبار آن بین 0/83 تا 0/75 به دست آمده است. دامنه نمرات هر کدام از ویژگی‌های شخصیت بین 0 تا 48 می‌باشد. در هنجاریابی آزمون NEO که توسط گروسی فرشی (1380) روی نمونه‌ای با حجم 2000 نفر از بین دانشجویان دانشگاه‌های تبریز، شیراز و دانشگاه‌های علوم پزشکی این دو شهر صورت گرفت ضریب همبستگی 5 بعد اصلی را بین 0/56 تا 0/87 گزارش کرده است. ضرایب آلفای کرونباخ در هر یک از عوامل اصلی روان‌آزردگی، برون‌گرایی، باز بودن به تجربه، توافق‌پذیری و باوجدان بودن به ترتیب 0/56، 0/73، 0/86، 0/68 و 0/87 به دست آمد. جهت بررسی اعتبار محتوایی این آزمون از همبستگی بین دو فرم گزارش شخصی (S) و فرم ارزیابی مشاهده گر (R)، استفاده شد، که حداکثر همبستگی به میزان 0/66 در عامل برون‌گرایی و حداقل آن به میزان 0/45 در عامل سازگاری بود (گروسی فرشی، 1380). در پژوهش آتش‌روز (1386) با استفاده از روش همسانی درونی، ضریب آلفای کرونباخ

1. Covert Relational Aggression Scale

2. Meng

3. Neuroticism-Extraversion-Openness Inventory

برای هر یک از 5 صفت: روان‌آزردگی خوبی، برون‌گرایی، گشودگی، سازگاری و وجدانی بودن به ترتیب 0/74، 0/55، 0/27، 0/38 و 0/77 به دست آمد. در پژوهش حاضر مقدار آلفای کرونباخ برای 5 صفت روان‌آزردگی، برون‌گرایی، گشودگی، سازگاری و وجدانی بودن به ترتیب برابر 0/86، 0/71، 0/79، 0/74 و 0/81 به دست آمد.

ج) پرسش‌نامه ناگویی هیجانی تورنتو¹ (TAS): این مقیاس در سال (1994) توسط باگی، تیلور و پارکر² طراحی شده و دارای 20 سؤال است که هر سؤال بر روی یک مقیاس 5 درجه‌ای لیکرت از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق درجه بندی می‌شود. مقیاس ناگویی هیجانی تورنتو، دارای سه زیر مقیاس دشواری در شناسایی احساسات، دشواری در توصیف احساسات و تفکر برون مدار و یک نمره کل است که از جمع نمرات سه خرده مقیاس به دست می‌آید. دامنه نمرات این مقیاس بین 5 تا 100 می‌باشد. مقدار آلفای کرونباخ در نسخه اصلی این آزمون 0/88 به دست آمده که بیانگر روایی بالای این مقیاس می‌باشد (باگی و همکاران، 1994). در تحقیق باگی و همکاران روایی این پرسش‌نامه مورد تأیید قرار گرفته است و طبق نتایج به دست آمده دقیقاً گویه‌های مربوط به سه زیر مقیاس دشواری در شناسایی احساسات، دشواری در توصیف احساسات و تفکر برون مدار مشخص شدند و سپس ضرایب پایایی این پرسش‌نامه محاسبه شد که این مقادیر برای سه زیر مقیاس به ترتیب برابر 0/84، 0/79 و 0/81 به دست آمد و ضریب پایایی کل پرسش‌نامه 0/85 محاسبه شد. بعلاوه ویژگی‌های روان‌سنجی این ابزار، در ایران توسط بشارت (1387) مورد بررسی قرار گرفته است. بشارت، ضریب همسانی درونی برای سه زیر مقیاس دشواری در شناسایی احساسات، دشواری در توصیف احساسات و تفکر برون مدار را به ترتیب 0/85، 0/82 و 0/75 گزارش داد. همچنین بشارت (1387) با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی روایی پرسش‌نامه را نیز تأیید کرد. در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ برای این مقیاس، 0/67 به دست آمد.

شیوه اجرا و روش تحلیل داده‌ها

پژوهش حاضر به دلیل پراکندگی جامعه مورد پژوهش در یک بازه زمانی 3 ماهه انجام گرفت. بدین ترتیب که پس از مراجعه حضوری به سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، لیست فرهنگسراها و سراهای محله منطقه یک و سه شهر تهران در سال 1401 در اختیار پژوهشگر قرار گرفت. از مجموع (38 مرکز)، 15 فرهنگسرا و سراهای محله به تصادف انتخاب شدند. در ادامه شش کلاس از میان کلاسهای آموزشی برگزار شده در این مراکز به تصادف انتخاب و پس از کسب مجوزهای لازم و توضیح اهداف پژوهش، پژوهشگر شخصاً به هریک از این مراکز مراجعه کرده و درخصوص تکمیل کردن پرسش‌نامه‌ها توضیحاتی به هر یک از زنان مراجعه کننده به مراکز همکاری کننده داد و از آنان خواست تا به هر یک از آزمودنی‌ها توضیحات لازم جهت پاسخگویی به سؤالات را بدهند، تا به هر سؤال صادقانه و بر مبنای افکار و احساسات خود پاسخ دهند و به دنبال پاسخ درست یا غلط نباشند. لازم به ذکر است باتوجه به بهبود شرایط کرونا، نمونه گیری هم به صورت دستی و مراجعه حضوری به فرهنگسراها و سراهای محله، هم به صورت تهیه نسخه آنلاین پرسش‌نامه‌ها و ارسال لینک پرسش‌نامه برای زنان متأهلی که شرایط پاسخگویی به سؤالات پرسش‌نامه در محل را نداشتند، انجام گرفت. بدین ترتیب که پس از کسب موافقت شرکت کنندگان، شماره تماس آنان دریافت و لینک پرسش‌نامه برای آنان ارسال گردید. همچنین در نمونه گیری به شیوه دستی، به منظور جمع‌آوری اطلاعات و جلوگیری از خستگی و عدم پاسخگویی آزمودنی‌ها، سؤالات در یک بسته 92 سؤالی، در اختیار هر آزمودنی قرار گرفت. با در نظر گرفتن ریزش احتمالی نمونه پژوهش، در مجموع 284 پرسش‌نامه در بین زنان مراجعه کننده به فرهنگسراها و سراهای محله

1. Toronto Alexithymia Scale

2. BugbyTaylor & Parker

منطقه یک و سه شهر تهران توزیع شد که تعداد 20 پرسش‌نامه مخدوش بود و در پایان 264 پرسش‌نامه بصورت کامل برگردانده شد.

یافته‌ها

پرسش‌نامه بین 264 نفر از زنان متأهل مراجعه کننده به فرهنگسراها و سراهای محله منطقه یک و سه شهر تهران در سال 1401 توزیع و نتایج جمع‌آوری گردید. نتایج حاصل اجرای ابزارهای پژوهش بین 264 نفر به صورت میانگین و انحراف استاندارد و همچنین کمینه، بیشینه، کجی و کشیدگی نمره‌های گروه نمونه در جدول 1 منعکس شده است. نتایج حاصل در جدول 1 نشان می‌دهد که در گروه نمونه میانگین متغیرهای اصلی پرخاشگری ارتباطی 29/60، ناگویی هیجانی 59/41 و روان‌رنجوری، برون‌گرایی، گشودگی، توافق‌پذیری و باوجدان‌بودن به ترتیب برابر 22/97، 27/60، 28/10، 31/16 و 34 است. نتایج جدول 1 همچنین نشان می‌دهد هیچ یک از متغیرهای پژوهش انحراف جدی از توزیع بهنجار ندارند. بر اساس اغلب منابع کجی توزیع نمره‌ها در دامنه (2و-) و کشیدگی در دامنه (3و-) را می‌توان بهنجار فرض کرد، توزیع داده‌های هیچ یک از متغیرهای پژوهش از این دامنه‌ها تخطی نکرده است، بنابراین می‌توان توزیع داده‌ها را بهنجار فرض کرد.

جدول 1. خلاصه یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی
کناره‌گیری عاطفی	19/15	8/21	0/56	-0/96
خراب کردن وجهه طرف مقابل	10/45	6/93	0/15	-0/29
پرخاشگری ارتباطی	29/60	13/12	-0/40	0/94
روان‌رنجوری	22/97	8/95	0/31	-0/28
برون‌گرایی	27/60	6/43	-0/43	-0/26
گشودگی	28/10	5/22	-0/17	0/12
توافق‌پذیری	31/16	5/83	-0/36	0/18
باوجدان‌بودن	34/00	7/02	-0/48	0/34
شناسایی احساسات	18/75	6/36	0/25	-0/43
توصیف احساسات	14/27	3/25	0/52	0/38
تفکر برون‌مدار	26/37	3/41	0/15	-0/29
ناگویی هیجانی	59/41	10/44	0/56	-0/96

در جدول 2 ضرایب همبستگی پرخاشگری ارتباطی، ناگویی هیجانی و ویژگی‌های شخصیت (روان‌رنجوری، برون‌گرایی، گشودگی، توافق‌پذیری و باوجدان‌بودن) نشان داده شده است. در این جدول، نتایج حاصل از آزمون همبستگی پیرسون بیانگر آن است که بین پرخاشگری ارتباطی با روان‌رنجوری ($r=0/32$) و ناگویی هیجانی ($r=0/27$) رابطه مثبت و معنادار در سطح 0/01 وجود دارد. از طرفی بین پرخاشگری ارتباطی با برون‌گرایی ($r=-0/18$)، گشودگی ($r=-0/13$)، توافق‌پذیری ($r=0/26$) و باوجدان‌بودن ($r=-0/16$) رابطه منفی و معنادار وجود دارد.

جدول 2. ماتریس همبستگی مربوط به رابطه بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	1	2	3	4	5	6	7
1. پرخاشگری ارتباطی	1						
2. روان‌رنجوری	0/32 **	1					
3. برون‌گرایی	0/18 **	0/59 **	1				
4. گشودگی	0/13 *	0/15 *	0/03	1			
5. توافق‌پذیری	0/26 **	0/34 **	0/17 **	0/14 *	1		
6. باوجدان بودن	0/16 **	0/50 **	0/49 **	0/06	0/25 **	1	
7. ناگویی هیجانی	0/27 **	0/54 **	0/18 **	0/21 **	0/29 **	0/17 **	1

* $p < 0/05$, ** $p < 0/01$

برای پیش‌بینی پرخاشگری ارتباطی پنهان شرکت کنندگان در پژوهش، از روی ناگویی هیجانی و ویژگی‌های شخصیت (روان‌رنجوری، برون‌گرایی، گشودگی، توافق‌پذیری و باوجدان بودن) از روش رگرسیون چندگانه به شیوه همزمان استفاده شد. استفاده از رگرسیون همزمان به رگرسیون گام‌به‌گام ارجحیت دارد، زیرا در پژوهش حاضر مشخص شد تمامی متغیرهای ناگویی هیجانی و ویژگی‌های شخصیت رابطه معناداری با پرخاشگری هیجانی دارند. در جدول 3 خلاصه نتایج رگرسیون گزارش شده است. با توجه به جدول 3، ضریب همبستگی چندگانه متغیرهای ناگویی هیجانی و ویژگی‌های شخصیت با پرخاشگری ارتباطی پنهان، 0/373 است. این متغیرها در مجموع 0/13 درصد از تغییرات پرخاشگری ارتباطی پنهان را پیش‌بینی می‌کنند. بعلاوه با توجه به آماره دوربین واتسون که برابر 1/98 (بین 1/5 تا 2/5) می‌باشد، پیش فرض استقلال خطاها پذیرفته می‌شود. در ادامه جدول 3، نتایج تحلیل واریانس مدل برای بررسی توانایی پیش‌بینی متغیر پرخاشگری ارتباطی از روی متغیرهای ناگویی هیجانی و ویژگی‌های شخصیت گزارش شده است. با توجه به نتایج، آماره $F=5/15$ در سطح 0/001 معنادار است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت متغیرهای پیش‌بین (ناگویی هیجانی، روان‌رنجوری، برون‌گرایی، گشودگی، توافق‌پذیری و باوجدان بودن) توانایی پیش‌بینی متغیر ملاک یعنی پرخاشگری ارتباطی را دارند. در جدول 4 ضرایب استاندارد و غیر استاندارد رگرسیون و معناداری آنها گزارش داده شده است.

جدول 3. خلاصه مدل پیش‌بینی ویژگی‌های شخصیت و ناگویی هیجانی با پرخاشگری ارتباطی

همبستگی چندگانه	واریانس تبیین شده (R^2)	R^2 تعدیل شده	آماره دوربین واتسون	نتایج تحلیل واریانس
(R)			آماره F	مقدار معناداری
0/373	0/139	0/112	1/98	5/15
				0/001

جدول 4. ضرایب تحلیل رگرسیون رابطه ویژگی‌های شخصیت و ناگویی هیجانی با پرخاشگری ارتباطی

مؤلفه‌ها	ضرایب معیار نشده	ضرایب معیار شده	نسبت t	سطح معنی‌داری	شاخص‌های همخطی چندگانه
	B	Std. Error	β		VIF
مقدار ثابت	31/60	10/77	-	2/94	-
روان‌رنجوری	0/261	0/14	0/178	1/99	0/391
برون‌گرایی	-0/05	0/16	-0/022	-0/29	0/579
گشودگی	-0/13	0/15	-0/052	-0/86	0/929
توافق‌پذیری	-0/34	0/14	-0/152	-2/41	0/848
باوجدان بودن	-0/01	0/14	-0/005	-0/07	0/615
ناگویی هیجانی	0/13	0/19	0/104	2/68	0/145

با توجه به جدول 4، اثر روان‌رنجوری بر پرخاشگری ارتباطی پنهان (0/178) در سطح 0/05 مثبت و معنادار است. همچنین اثر ناگویی هیجانی بر پرخاشگری ارتباطی پنهان (0/104) در سطح 0/05 مثبت و معنادار است. از طرفی اثر توافق‌پذیری بر پرخاشگری ارتباطی پنهان (-0/152) در سطح 0/05 منفی و معنادار است. اما اثر متغیرهای برون‌گرایی، گشودگی و باوجدان بودن بر پرخاشگری ارتباطی پنهان در سطح 0/05 معنادار نمی‌باشند و از اینرو این سه متغیر در پیش‌بینی پرخاشگری ارتباطی پنهان نقش معناداری ندارند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که هر چقدر زنان، ناگویی هیجانی و روان‌رنجوری بیشتری داشته باشند، پرخاشگری ارتباطی پنهان در آنها نیز افزایش می‌یابد. اما با افزایش ویژگی شخصیتی موافق بودن، پرخاشگری ارتباطی پنهان آنها کاهش می‌یابد. در ادامه جدول 4، شاخص‌های همخطی نیز نشان داده شده است که بیانگر تأیید پیش فرض نداشتن همخطی چندگانه بین متغیرهای مستقل می‌باشند (شاخص تحمل بیشتر از 0/1 و VIF کمتر از 5).

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی پرخاشگری ارتباطی پنهان بر اساس ویژگی‌های شخصیت و ناگویی هیجانی انجام گرفت. نتایج فرضیه اول پژوهش نشان داد پرخاشگری ارتباطی پنهان بر اساس ویژگی‌های شخصیتی قابل پیش‌بینی است. در واقع، افزایش روان‌رنجوری و کاهش شاخص توافق‌پذیری در بروز و تشدید پرخاشگری ارتباطی پنهان بین زوجین موثر است. لذا بر اساس یافته‌های به دست آمده از نمونه پژوهش، پاسخ فرضیه اول مثبت است. نتایج به دست آمده از این فرضیه با پژوهش‌های حمیدی کیان، نیکنام و جهانگیر (1400)، خمسه زاده قزوینی (1398)، روشن‌نژاد، بیان فر و طالع پسند (1398)، خزاعی، نوایی‌نژاد، فرزاد و زهراکار (1396) و اپوزدمیر¹ (2012) همسو می‌باشد. در خصوص تبیین یافته فوق می‌توان گفت روان‌رنجوری به توانایی فرد در تحمل استرس و آسیب‌پذیری نسبت به استرس مربوط است و منجر به تعارضات خانوادگی و زناشویی، بی‌اعتنایی به دیگران، نداشتن بلوغ شخصیتی، خصومت و عصبانیت، بی‌مسئولیتی و روابط اجتماعی سطحی می‌شود. از سوی دیگر، توافق‌پذیری (سازگاری) پایین در روابط زناشویی، موجب شکاکتی، طلبکار بودن، تحقیر و توهین، یک دنده بودن، بی‌عاطفه بودن و عدم توجه به احساس طرف مقابل می‌شود. بر این اساس، وجود روان‌رنجوری بالا و سازگاری پایین در روابط زناشویی می‌تواند زمینه ساز بروز پرخاشگری در روابط زوجین شود که به نوبه خود می‌تواند اثرات مهم و بالقوه‌ای بر ازدواج بگذارد. از نظر آیزنک (1945) نیز روان‌رنجوری بالا موجب عصبی بودن، بی‌قرار بودن، پرخاشگری، تحریک‌پذیری، اضطراب، غیرمنطقی بودن و عزت نفس پایین می‌شود (فتحی آشتیانی و داستانی، 1388). در مطالعه‌ای میان دانشجویان متأهل دریافتند، روابط زوجی زمانی ملال‌آور و رنج‌آور می‌شود که تاکتیک‌های منفی، توسط همسران صمیمی به کار برده شود؛ به ویژه پرخاشگری ارتباطی پنهان که ناسازگاری‌های عدیده‌ای در روابط افراد به بار می‌آورد که شامل، تنهایی، افسردگی و سوء استفاده جسمی می‌باشد رحمت زاده و رضاخانی (1399). بنابراین، وجود تعارض‌های پنهان بین همسران، می‌تواند موجب مثلث‌سازی در روابط بین زوجین شوند. لذا توجه به این نوع از پرخاشگری در روابط زوجی بسیار مهم است، بخصوص اگر فرزندان هم حضور داشته باشند که نه تنها این روابط پرخاشگرانه می‌تواند روابط همسران را تخریب کند و به همسر آسیب برساند، بلکه می‌تواند به فرزندان نیز آسیب جدی وارد کند. در زمینه روابط زناشویی همچنین (مورون و ماندال، 2021) تفاوت‌های میان تعارض آشکار زناشویی نظیر خصومت کلامی، سوء استفاده فیزیکی و محرومیت زناشویی شامل، اجتناب کردن، نادیده گرفتن و کناره‌گیری عاطفی به عنوان اشکالی از انواع پرخاشگری پنهان در روابط زناشویی را مورد آزمون قرار دادند. تحلیل روان‌سنجی نشان داد که اینها دو عامل پایا و باثبات اند، اما متفاوتند. پرخاشگری ارتباطی پنهان به عنوان پیش‌بینی کننده این نکته است که آیا فرزندان چنین زوجی که درگیر این نوع پرخاشگری هستند، نیز در پرخاشگری با همسرشان درگیر می‌شوند یا نه؟ همچنین مطالعات مشاهده‌ای از تعارضات زناشویی نشان داد که

1. Epözdemir

استراتژی محروم سازی نظیر رفتار خاموش بی تفاوت نسبت به همسر (که اشاره به دفاعی رفتار کردن فرد دارد) با روابط آشفته مهم و انحلال سریع رابطه زناشویی مرتبط است (خمسه زاده قزوینی، 1398).

نتایج فرضیه دوم پژوهش نشان داد پرخاشگری ارتباطی پنهان بر اساس ناگویی هیجانی قابل پیش‌بینی می‌باشد. لذا بر اساس یافته‌های به دست آمده از نمونه پژوهش، پاسخ فرضیه دوم مثبت است. نتایج به دست آمده از این فرضیه با پژوهش‌های عبدی زرین و نیکخواه سیروی (1400)، سدیدی و یمینی (1397)، خزاعی، نوایی‌نژاد، فرزاد و زهراکار (1396)، لیورز و همکاران (2021)، ولز و همکاران (2016)، اپوزدمیر (2012) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت افرادی که درک کمتری از هیجانات خود دارند، مشکلات خود را بیشتر درونی کرده و مستعد گرفتار شدن در دوری از عاطفه منفی و گرایش به رفتار پرخطر و بالعکس هستند. این افراد به دلیل اینکه در موقعیت‌های اجتماعی احساس ناراحتی دارند، الکل را به عنوان مکانیزم مقابله‌ای برای استرس یا بهبود عملکرد بین فردی شان استفاده می‌کنند (جعفرزاده و همکاران، 1400). از نظر شیشی دو، گاهر و سیمسون 1 (2013) ناگویی هیجانی، به علت تأثیر بر تنظیم هیجانی و رفتاری که با تشدید وضعیت عاطفی منفی مرتبط است، خطر مشکلات مرتبط با الکل را افزایش می‌دهد. مشکل افراد دارای ناگویی هیجانی در دریافت، فهم و تنظیم هیجان‌ها باعث می‌شود که آنها هیجان‌های خود را خطرناک تفسیر کرده و به ناچار از راهبردهای اجتنابی و ناسازگار جهت تنظیم هیجان‌های خود استفاده کنند، یکی از این راهبردها، استفاده از خشم است (بشارت، 1387). این افراد در ابراز هیجانات خود ضعف دارند در تفسیر موقعیت‌های هیجانی و در تفسیر هیجان‌های دیگران نیز مشکل دارند، زیرا احساس‌های دوگانه این افراد ممکن است موجی شود که آنها به ابراز هیجان افراد اعتماد نکنند و یا تعبیر نادرست از آن داشته باشند و در موقعیت‌های متفاوت و چالش برانگیز با ابراز نامناسب هیجان ممکن است به فرآیندهای غیر منطقی مانند خشونت متوسل شوند که این امر ظرفیت ادراکی آنها را کاهش می‌دهد و منجر به ایجاد رفتارهای مخاطره جویانه در آنان می‌شود (بارسلونا، هارویل، ساواج و گیاراتانو 2، 2018). افرادی که توانایی درک و بیان حالت‌های هیجانی خود را ندارند، در مقایسه با افرادی که چنین توانمندی را دارند، در ارتباط با محیط‌های پرتنش و تجارت منفی سازگاری کمتری را نشان می‌دهند و این افراد با انجام رفتارهایی مانند مصرف الکل و مواد مخدر، پرخاشگری و خشونت نسبت به فرد مقابل به دنبال راهی برای کاهش پریشانی هیجانی و کسب مجدد آرامش خود هستند (جعفرزاده و همکاران، 1400).

در نتیجه با توجه به اینکه وجود روان رنجوری بالا موجب احساس تنش، کینه و خصومت، تمایل به احساس خشم در فرد می‌شود، همچنین میزان پایین توافق‌پذیری منجر به اعتماد پایین به طرف مقابل، عدم پابندی به اصول اخلاقی، عزت نفس و اعتماد به نفس پایین و عدم شفقت نسبت به طرف مقابل می‌شود، لذا وجود این دو ویژگی شخصیتی در کنار ناگویی هیجانی می‌تواند موجب بی توجهی یا بدرفتاری زوجین نسبت به یکدیگر شود. براین اساس، در ازدواج‌هایی که یکی از طرفین درمورد توافق‌پذیری، ثبات و گشودگی امتیاز کمتری نسبت به همسر دیگر دارد، احتمالاً عدم رضایت زناشویی وجود دارد. علاوه بر این، روان رنجورها معمولاً در برخورد با مسائل زندگی، از سبک‌های هیجان مدار استفاده می‌کنند و کمتر مساله مدار هستند. بنابراین در عملکرد روزانه و مسائل زناشویی به نوعی عملکرد ضعیف تری دارند.

پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی روبه‌رو بود که یکی از مهمترین آنها این بود که به دلیل استفاده از پرسش‌نامه جهت جمع‌آوری اطلاعات که جنبه خودافشایی دارد، ممکن است شرکت‌کنندگان سوگیری در پاسخگویی داشته باشند و نتایج را تحت تأثیر قرار دهند. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی ترتیبی اتخاذ شود که متغیرهای پژوهش در دو گروه زنان متقاضی طلاق و زنان عادی مقایسه شود. در نهایت پیشنهاد می‌شود پژوهش مشابهی در زنان دچار پرخاشگری ارتباطی پنهان در شهرهای دیگر کشور و در حجم نمونه‌های بزرگتر انجام شود، همچنین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی متغیرهای تنظیم هیجانی،

1. Shishido, Gaher & Simons
2. Barcelona de Mendoza, Harville, Savage & Giarratano

طرحواره‌های شناختی و طرحواره‌های هیجانی، باورهای فراشناختی، باورهای ارتباطی، افکار خودآیند منفی، عواطف مثبت و منفی و دلزدگی زناشویی در زنان دچار پرخاشگری ارتباطی پنهان مورد بررسی قرار گیرد و در نهایت پیشنهاد می‌شود به زنان دچار پرخاشگری ارتباطی پنهان و بطور کلی زنان، در خصوص باورهای ارتباطی، تنظیم هیجانات، مقابله با خلق منفی و کنترل اضطراب آموزش داده شود.

تقدیر و تشکر

بدین وسیله از شرکت‌کنندگان محترم و همه افرادی که به هر نحو در انجام این پژوهش ما را یاری نمودند، کمال تشکر و قدردانی را داریم.

منابع

- آتش روز، ب.، پاک دامن، ش.، و عسگری، ع (1386). ارتباط بین پنج رگه شخصیتی و پیشرفت تحصیلی. روان‌شناسان ایرانی. 6 (4). 376-367
<https://www.sid.ir/paper/101223/367>
- بشارت، م (1387). نارسایی هیجانی و سبک دفاعی. مجله سلامت عمومی، 3 (10)، 181-190.
<https://www.sid.ir/paper/88585/190-181>
- جعفرزاده، ت.، سلیمانیان، ع.، محمدی پور، م (1400). ارائه مدل علی پیش‌بینی خشونت خانگی علیه زنان بر اساس ناگویی هیجانی و عملکرد خانواده با واسطه‌گری تمایز یافتگی. مجله دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، 11 (65). 167-186.
<https://sid.ir/paper/985344/>
- حمیدی کیان، پ.، نیکنام، م.، و جهانگیر، پ (1400). پیش‌بینی پرخاشگری ارتباطی پنهان زناشویی و ترس از صمیمیت بر اساس خود شفقت‌ورزی با نقش میانجی‌گری احساس گناه در افراد متأهل، فصلنامه خانواده‌درمانی کاربردی، دوره 2، شماره 1، پیاپی 5، صص 65-90.
<https://www.sid.ir/paper/369737>
- خزاعی، س.؛ نوابی نژاد، ش.؛ فرزاد، و.؛ زهراکار، ک (1396). رابطه سبک‌های دلبستگی و پرخاشگری ارتباطی پنهان: با واسطه‌گری احساس شرم و گناه، روان‌شناسی، روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی، سال چهاردهم، شماره 54، صص 155-172.
<https://www.sid.ir/paper/101410/>
- رحمت زاده، الف.؛ رضاخانی، س (1399). پیش‌بینی مهارت‌های ارتباطی بر اساس ویژگی‌های شخصیتی و خودپنداره، فصلنامه دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، دوره 27، شماره 3 (پیاپی 81)، صص 111-121.
<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1709180/>
- روشن نژاد، ن.، طالع پسند، س (1398). پیش‌بینی سازگاری زناشویی زوج‌های جوان بر مبنای ویژگی‌های شخصیتی، تمایز یافتگی خود و سرسختی، فصلنامه روان‌شناسی بالینی، دوره 11، شماره 1 (پیاپی 41)، صص 93-106.
<https://dx.doi.org/10.22075/jcp.2019.17207.1632>
- سدیدی، م.، و یمینی، م (1397). پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی بر اساس راهبردهای مقابله‌ای و ناگویی هیجانی. مجله مطالعات روان‌شناسی، 14 (2)، 141-125.
<https://www.sid.ir/paper/67791/141-125>
- سید موسوی، م.، محرمی، ج (1397). ناگویی هیجانی، احساس تنهایی و ترس از صمیمیت: پیش‌بینی کننده نگرش نسبت به خیانت در مردان، روان‌شناسی ایران، 14 (1)، 21-12.
<https://www.sid.ir/paper/120237/21-12>
- صالحی مورکانی، خ.، و آل یاسین، ع (1396). تعیین پیش‌بینی تعارضات زناشویی بر اساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه در زنان متأهل مراجعه کننده به مراکز مشاوره اصفهان، <https://www.sid.ir/paper/897254/>
- فرزین، ر.، و برزگر، م (1398). بررسی رابطه سرمایه روان‌شناختی و ویژگی‌های شخصیتی با سرزندگی معلمان. مجله رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، 9 (36)، 77-90.
<https://www.sid.ir/paper/168914/fa.90-77>
- فتحی آشتیانی، ع.، و داستانی، م (1388). آزمون‌های روان‌شناختی ارزشیابی شخصیت و سلامت روانی، تهران: انتشارات بعثت، نسخه اول.
<https://www.gisoom.com/book/1940512/>

- عبدی زین، س.، و نیک‌خوآن سیری، ز (1400). سلامت روان‌شناختی: نقش خودخواهی، ناگویی‌هیجانی و قدرت. *مجله روان‌شناسی و روانپزشکی*، 8 (3)، 24-13. <https://www.sid.ir/paper/957402/fa>
- غفاری، م.، و رضانی، ن (1398). عدالت زناشویی و کیفیت زناشویی: اثرات واسطه‌ای برای ارتباطات پنهان. *مجله تحقیقات خانوادگی*، 15 (4)، 503-487. https://www.sid.ir/paper/122403/_503-487
- گروسی فرشی، م.، مهریار، ع.، و قاضی طباطبایی، م (1380). کاربرد آزمون جدید شخصیتی نئو (neo) و بررسی تحلیلی ویژگی‌ها و ساختار عاملی آن در بین دانشجویان دانشگاه‌های ایران. *مجله علوم انسانی (دانشگاه الزهرا)*، 11 (39)، 173-198. <https://sid.ir/paper/13971/fa#downloadbottom>
- مومنی، ک.، کرمی، ج.، و هویزی زادگلن، ن (1397). رابطه هیجان خواهی، عاطفه مثبت و منفی، ناگویی‌هیجانی با خیانت زناشویی. *مجله بهداشت و مراقبت*، 19 (4)، 231-221. https://www.sid.ir/paper/251992/_231-221

- Amor, P. J., Echeburúa, E., de Corral, P., Zubizarreta, I., & Sarasua, B. (2002). Repercusiones psicopatológicas de la violencia doméstica en la mujer en función de las circunstancias del maltrato. *International Journal of Clinical and Health Psychology*, 2 (2), 227-246. <http://www.redalyc.org/articulo.oa?id=33720202>
- Bagby RM, Taylor GJ, Parker JDA. (1994). The Twenty-Item Toronto Alexithymia Scale: II. Convergent, Discriminant, And Concurrent Validity. *J Psychosom Res.* 38: 33-40. [https://doi.org/10.1016/0022-3999\(94\)90005-1](https://doi.org/10.1016/0022-3999(94)90005-1)
- Barcelona de Mendoza, V., Harville, E. W., Savage, J., & Giarratano, G. (2018). Experiences of intimate partner and neighborhood violence and their association with mental health in pregnant women. *Journal of interpersonal violence*, 33 (6), 938-959. <https://doi.org/10.1177/0886260515613346>
- Carroll, J. S., Nelson, D. A., Yorgason, J. B., Harper, J. M., Ashton, R. H., & Jensen, A. C. (2010). Relational aggression in marriage. *Aggressive Behavior*, 36 (5), 315-329. <https://doi.org/10.1002/ab.20349>
- Costa, P., & McCrae, R. (1992). The five-factor model of personality and its relevance to personality disorders. *Journal of Personality Disorders*, 6 (4), 343-359. <https://doi.org/10.1521/pedi.1992.6.4.343>
- Crick, N.R., Nelson, D. A. (2002). Relational and physical victimization within friendships: Nobody told me there'd be friends like these. *J Abnorm Child Psychol.* 30:599° 607. <https://doi.org/10.1023/a:1020811714064>
- Díaz-Loving, R., & Sánchez-Aragón, R. (2002). Psicología del amor: una visión integral de la relación de pareja. [Psychology of love: an integral look at couple relationships]. *México: Universidad Nacional Autónoma de México, Facultad de Psicología*.
- Dyrenforth, P. S., Kashy, D. A., Donnellan, M. B., & Lucas, R. E. (2010). Predicting relationship and life satisfaction from personality in nationally representative samples from three countries: the relative importance of actor, partner, and similarity effects. *Journal of personality and social psychology*, 99 (4), 690. <https://doi.org/10.1037/a0020385>
- Epözdemir, H. (2012). The effect of alexithymic characteristics of married couples on their marital adjustment. *Journal of Family Psychotherapy*, 23 (2), 116-130. <https://doi.org/10.1080/08975353.2012.679902>
- Gomes, M. M. (2007). A concept analysis of relational aggression. *Journal of Psychiatric and Mental Health Nursing*, 14 (5), 510-515. <https://doi.org/10.1111/j.1365-2850.2007.01120.x>
- Hesse, C., Pauley, P. M., & Frye-Cox, N. E. (2015). Alexithymia and marital quality: The mediating role of relationship maintenance behaviors. *Western Journal of Communication*, 79 (1), 45-72. <https://doi.org/10.1037/a0031961>
- Karatas, H. (2015). Correlation among academic procrastination, personality traits, and academic achievement. *Anthropologist*, 20 (1), 2. https://www.researchgate.net/publication/286778727_Correlation_among_Academic_Procrastination_Personality_Traits_and_Academic_Achievement

- Knight, N. M., Dahlen, E. R., Bullock-Yowell, E., & Madson, M. B. (2018). The HEXACO model of personality and Dark Triad in relational aggression. *Personality and Individual Differences*, 122, 109-114.
<https://www.sciencegate.app/app/redirect#aHR0cHM6Ly9keC5kb2kub3JnLzEwLjEwMTYvai5wYWlkLjIwMTcuMTAuMDE2>
- young Lyvers, M., Edwards, M., & Thorberg, F. (2017). Alexithymia, attachment and fear of intimacy in adults. *IAFOR Journal of Psychology & the Behavioral Sciences*, 3, 1-11.
<https://doi.org/10.22492/IJPBS.3.2.01>
- Meng, K. N. (2013). Couple Implicit Rules for Facilitating Disclosure and Relationship Quality with Romantic Relational Aggression as a Mediator. Brigham Young University.
<https://scholarsarchive.byu.edu/etd/3836/>
- Moroń, M., & Mandal, E. (2021). Reinforcement sensitivity, approach and avoidance goals and relational aggression in romantic relationships. *Personality and individual differences*, 168, 110381.
<https://doi.org/10.1016/j.paid.2020.110381>
- Moral de la Rubia, J., & Ramos Basurto, S. (2015). Couple Violence and Alexithymia in Women from Nuevo Leon. *Acta de investigación psicológica*, 5 (1), 1831-1845.
https://www.scipedia.com/public/Moral-de-la-Rubia_Ramos-Basurto_2015a
- McGeown, S. P., Putwain, D., Simpson, E. G., Boffey, E., Markham, J., & Vince, A. (2014). Predictors of adolescents' academic motivation: Personality, self-efficacy and adolescents' characteristics. *Learning and Individual Differences*, 32, 278-286. <https://doi.org/10.1016/J.LINDIF.2014.03.022>
- Ojanen, T., Findley, D., & Fuller, S. (2012). Physical and relational aggression in early adolescence: Associations with narcissism, temperament, and social goals. *Aggressive behavior*, 38 (2), 99-107.
- Reedy, S. (2009). Alexithymia and collectivism in survivors of domestic violence: An exploratory study (Tesis Doctoral). Chicago, IL: The Chicago School of Professional Psychology .
<https://doi.org/10.1002/ab.21413>
- Shishido, H., Gaher, R. M., & Simons, J. S. (2013). I don't know how I feel, therefore I act: alexithymia, urgency, and alcohol problems. *Addictive behaviors*, 38 (4), 2014-2017.
<https://doi.org/10.1016/j.addbeh.2012.12.014>
- Taggart, T. C., Bannon, S. M., & Hammett, J. F. (2019). Personality traits moderate the association between conflict resolution and subsequent relationship satisfaction in dating couples. *Personality and Individual Differences*, 139, 281-289. <https://doi.org/10.1016/J.PAID.2018.11.036>
- Taylor, G. J., Bagby, R. M., Kushner, S. C., Benoit, D., & Atkinson, L. (2014). Alexithymia and adult attachment representations: Associations with the five-factor model of personality and perceived relationship adjustment. *Comprehensive Psychiatry*, 55 (5), 1258-1268.
<https://doi.org/10.1016/j.comppsy.2014.03.015>
- Taylor, G. J. (2000). Recent developments in alexithymia theory and research. *The Canadian Journal of Psychiatry*, 45 (2), 134-142. <https://doi.org/10.1177/070674370004500203>
- Werner, N. E., & Crick, N. R. (1999). Relational aggression and social-psychological adjustment in a college sample. *Journal of abnormal psychology*, 108 (4), 615. <https://doi.org/10.1037//0021-843x.108.4.615>
- Weidmann, R., Ledermann, T., & Grob, A. (2016). The interdependence of personality and satisfaction in couples: A review. *European Psychologist*, 21 (4), 284. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1027/1016-9040/a000261>
- Wells, R., Rehman, U. S., & Sutherland, S. (2016). Alexithymia and social support in romantic relationships. *Personality and Individual Differences*, 90, 371-376.
<https://doi.org/10.1016/J.PAID.2015.11.029>